

## نقش ساخت‌های هم‌پایه قرآن کریم در اقتصاد زبانی (مطالعه موردی جزء ۱-۳)

زهرآ جمشیدی\* / سیدمحمد آرتا\*\* / احمد خواجه‌ایم\*\*\*

### چکیده

به دلیل اینکه قرآن کریم برای هدایت انسان نازل شده، زبان آن مانند سایر الگوهای رفتاری انسان، پیرو اصل صرفه‌جویی است. یکی از شاخصه‌های بارز زبان قرآن این است که با صرف کمترین توان، بیشترین بازده را در عمل پیام‌رسانی انجام می‌دهد. البته این کار تا حدی صورت می‌پذیرد که به اصل پیام و معنا لطمه‌ای وارد نشود. اگر عناصر معادل و تکراری از زبان قرآن حذف نمی‌شد، مملو از حشو و زواید غیرلازم بود که در این صورت، نه تنها طولانی و ملال‌انگیز می‌شد، بلکه انتقال معنی و پیام که هدف اصلی این کتاب آسمانی است، به تعویق می‌افتاد. مقاله حاضر، پس از بررسی سیر شکل‌گیری نظریه اقتصاد زبانی و تعریف اصطلاحات و مبانی نظری پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی نقش ساخت‌های هم‌پایه در ایجاز و کوتاهی جملات و همسویی این موضوع با اصل اقتصاد زبانی پرداخته است. برآیند تحقیق نشان می‌دهد، اگر ساخت‌های هم‌پایه قرآن کریم در ژرف ساخت خود، دارای عناصر مشترک هم‌معنا و تکراری باشند، عنصر مشترک هم‌معنا که در مقام تکرار قرار گرفته، از روساخت آن حذف و موجب کوتاهی جمله می‌شود که این امر، همسو با اصل اقتصاد و فرایند کم‌کوشانه زبان است.

**کلیدواژه:** قرآن کریم، اقتصاد زبانی، ساخت هم‌پایه، ژرف ساخت، روساخت.

z.jamshidi@hsu.ac.ir

\* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول)

\*\* دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه

\*\*\* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۷/۰۶ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰

## ۱. مقدمه

آدمی از بدو خلقت تا امروز به صورت جمعی زندگی کرده و یکی از اساسی‌ترین و حیاتی‌ترین نیازهای وی در زندگی جمعی، ایجاد ارتباط دوسویه با هم‌نوعان به منظور تفهیم و تفاهم است؛ از این رو، انسان در طول حیات خود برای رفع این نیاز و برقراری ارتباط با اطرافیان خود، به روش‌های گوناگونی متوسل شده و از ابزارهای مختلفی بهره برده است که زبان، مهم‌ترین آن‌ها قلمداد می‌شود. زبان، بهترین، کامل‌ترین و جامع‌ترین وسیلهٔ پیام‌رسانی است. زبان، نهادی اجتماعی است که افراد جامعه با هدف آگاهی از مقاصد و نیات یکدیگر و برای برقراری ارتباط با هم، عناصر آن را برقرار کرده‌اند. فردینان دوسوسور<sup>۱</sup> (۱۸۵۷-۱۹۱۳ م) که بررسی علمی زبان را در آغاز سدهٔ بیستم، بر شالودهٔ نوینی پایه‌گذاری کرد، زبان را نظامی بالقوه می‌داند که تنها در ذهن اهل زبان وجود دارد و متشکل از علائمی است که ارتباطی یک‌به‌یک با مقولات دنیای خارج دارند و از قوانین مشخص پیروی می‌کنند. هدف او بررسی عینی این نظام بدون در نظر گرفتن بُعد زمان و تأثیرات آن بود (مقدادی، ۱۳۷۸: ۲۹۹). در مکتب زبان‌شناسی انگلستان، زبان، نوعی رفتار انسانی فرض شده است که طرح دارد (رک: مدرسی، ۱۳۹۰: ۲۴۴).

مهم‌ترین دغدغه دربارهٔ زبان، توانایی گفت‌وگو و انتقال معنا به مخاطب است. «در زبان‌شناسی، این مطلب، همان تولید و درک زبانی است. در فرایند تولید آنچه در ذهن است، بر زبان جاری و در فرایند دریافت، رشته‌ای از اصوات به ذهن منتقل می‌شود» (Cann, 2005: 18). اصواتی که در قالب جملات به ذهن منتقل می‌شوند، هرچه کوتاه‌تر باشند، درک معنا و پیام، سریع‌تر و با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد. به عبارت دقیق‌تر، در صورتی که بتوان معانی و مفاهیم مورد نظر را در قالب کلمه‌ها یا جمله‌های کوتاه‌تر ادا کرد و از آوردن کلمه‌های بیشتر یا جمله‌های طولانی‌تر چشم

1. Ferdinand de Saussure

پوشید، جمله، نیکوتر و پسندیده‌تر خواهد بود (رک: دانشگر، ۱۳۸۳: ۸۸). بنا بر اصل اقتصاد زبانی، «اگر مفهوم سازه زبانی از فحوای سایر عناصر زبانی یا غیرزبانی موجود، قابل دریافت باشد، کاربرد آن سازه ضرورتی ندارد» (افتخاری، ۱۳۸۴: ۳۷). کاربرد این‌گونه عناصر و سازه‌های زبانی، باعث اطالة کلام و صرف انرژی بیشتر می‌شود و این امر با اصل اقتصاد زبان در تضاد است. طبیعت انسان‌ها نیز که کاربران اصلی زبان هستند، از چنین فرایندی حمایت می‌کند و عموماً حرکت برخلاف این جریان را مجاز نمی‌شمارد. اصل اقتصاد زبانی نشان می‌دهد نیروی بازدارنده‌ای وجود دارد که آدمی را از صرف انرژی زیاد در زبان بازمی‌دارد و او را به ادای مقصود و بیان مافی الضمیر با کمترین کوشش ممکن ترغیب می‌کند. «این اصل، نقش بسیار مهم و تعدیل‌کننده‌ای در زبان دارد؛ به طوری که هر تغییر غیراقتصادی که در صرف انرژی و تلاش، هزینه زیادی بر سیستم زبان تحمیل کند، به طور خودکار حذف می‌شود یا از آن پرهیز خواهد شد. در واقع، طبیعت اقتصاد، معیار تنظیم‌کننده تمامی فعالیت‌های بشری است که توسط اصل کم‌کوشی کنترل می‌شود» (زاهدی و شریفی، ۱۳۹۰: ۸۹).

زبان چه به عنوان وسیله برقراری ارتباط و چه نوعی رفتار انسانی در نظر گرفته شود، مانند سایر الگوهای رفتاری و نهادهای اجتماعی انسانی، پیرو اصل صرفه‌جویی است. بنا بر نظریه اقتصاد زبانی آندره مارتینه<sup>۱</sup> (۱۹۰۸-۱۹۹۹) که برابندی از دو عامل کمترین تلاش و بیشترین کارایی است، انسان در کاربرد زبان سعی می‌کند با صرف حداقل انرژی و تلاش، عمل پیام‌رسانی را انجام دهد. نکته بسیار مهم در این سازوکار آن است که تمایل به اقتصاد زبانی نباید موجب اخلال در معنی و انتقال پیام به مخاطب شود؛ یعنی اقتصاد زبانی تا حدی بر زبان اعمال می‌شود که اصل رسانگی را نقض نکند. به بیان دیگر، شرط وقوع صرفه‌جویی، عدم ایجاد خلل در بار معنایی آن سازه زبانی است و اصل اقتصاد زبانی نباید کلام را آنقدر کوتاه و فشرده کند که آن پدیده زبانی به عنصری بی‌معنی بدل شود. زبان در صورتی به اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده

---

1. André Martinet

خویش اجازه کوتاه شدن، سهولت و سادگی می‌دهد که خدشه و کمبودی در معنا رخ ندهد و خللی به هدف اصلی و اساسی زبان که انتقال معناست، راه نیابد. «فرایند حذف در وضعیتی صورت می‌گیرد که خواننده بتواند مفهوم و معنای عناصر و اجزای حذف شده را به راحتی دریابد» (Lumsden, 1910: 365؛ به نقل از افتخاری، ۱۳۸۴: ۳۶).

یکی از ویژگی‌های بارز زبان عربی که زبانی صرفی به شمار می‌رود، ایجاز و کوتاهی جملات در مقایسه با معانی و مفاهیم آن‌هاست. اختصار و فشرده‌گی کلام در زبان عربی، با گذر زمان، ارزش خویش را از دست نداده و در نظر علمای بلاغت و زبان، اصل ایجاز که متناسب با موضوع کلام باشد، همیشه ارزشمند بوده است (رک: قادری مقدم و عبدالله‌زاده برزو: ۱۳۹۶: ۲۶۷). طبیعت صرفی زبان عربی اقتضا می‌کند جملات با حجمی کوتاه و مختصر، بیشترین معنا و پیام را به مخاطب خود منتقل کنند. این موضوع مشروط بر این است که کلام از نظر قوانین و قواعد صرفی و نحوی زبان عربی، درست و از حیث معنی و مفهوم، روشن و خالی از ابهام و کژتابی باشد.

زبان قرآن نیز از این قاعده جدا نیست و با توجه به اینکه تمایل به کم‌کوشی، یکی از علایق انسانی است، در بسیاری موارد، پیام خود را در قالب جملاتی کوتاه، اما پرمحتوا به مخاطبان منتقل کرده است. در کلام الهی با در نظر گرفتن طبیعت زبان، از قواعد مقتصدانه و کم‌کوشانه زبان استفاده شده و راهکارهایی مختلف برای ایجاز و اختصار در کلام به کار رفته است که یکی از آن‌ها کاربرد ساخت‌های هم‌پایه در جملات است. به عبارت دیگر، یکی از تمهیدات کلام الهی برای همسویی با اصل اقتصاد زبانی، کاربرد ساخت‌های هم‌پایه به میزان فراوان است؛ بدین معنی که اگر ساخت‌های هم‌پایه قرآن کریم دارای عناصر هم‌معنای مشترک باشند، یکی از عناصر هم‌معنا که در مقام تکرار قرار می‌گیرد، از رو ساخت آن حذف و موجب کوتاهی جمله می‌شود که این امر همسو با فرایند کم‌کوشانه زبان است. حذف عناصر تکراری در ساخت‌های هم‌پایه، یکی از شگردهای قرآن برای ایجاز و کوتاهی جملات است

که در نتیجه، هم انرژی کمتری برای خواندن یا ادای آن صرف می‌شود و هم درک مفهوم و انتقال معنا به مخاطب، در زمانی کوتاه‌تر صورت می‌گیرد.

### ۱-۲. روش تحقیق

پژوهش پیش رو، به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. ابتدا ساخت‌های هم‌پایه در قرآن کریم مطالعه و استخراج شد و پس از طبقه‌بندی انواع ساخت‌های هم‌پایه، چگونگی حذف عناصر تکراری، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و نقش حذف عناصر تکراری ساخت‌های هم‌پایه در کوتاه شدن جملات و ایجاد اقتصاد زبانی تبیین گردید. به اعتقاد بسیاری از زبان‌شناسان، اگر دستور زبان بخواهد از عهدۀ توصیف واقعیات زبان برآید و روابط بین جمله‌های زبان را توجیه کند، باید علاوه بر روابط آشکار و عینی، به کشف روابط نهفته‌ای که در زیربنای جمله‌های عینی وجود دارد نیز توجه کند. به‌منظور پی بردن به ژرف‌ساخت<sup>۱</sup> و عناصر تکراری ساخت‌های هم‌پایه، ابتدا لازم است صورت روساختی<sup>۲</sup> آن‌ها تأویل<sup>۳</sup> شود؛ از این رو، برای کشف و درک ژرف‌ساخت عناصر هم‌پایه در جملات قرآن، از نظریۀ گشتاری چامسکی<sup>۴</sup> (۱۹۲۸) بهره برده‌ایم. دستور گشتاری، به دلیل توانایی‌اش در کشف و بازنمودن ژرف‌ساخت و کُنه جملات و اجزای آن، بهترین ابزار و روش برای احیای عناصر حذف‌شده در روساخت است. به این ترتیب، ابتدا با کمک دستور گشتاری، به تأویل جملات روساختی پرداخته و سپس با استفاده از قاعده «حذف عناصر معادل و تکراری»، فرم روساختی جمله‌ها را به دست آورده‌ایم.

### ۱-۳. پیشینه بحث

بررسی و جست‌وجوی نگارندگان در منابع اطلاعاتی نشان داد درباره اقتصاد زبانی در قرآن کریم چند پژوهش انجام شده است:

- 
1. deep structure
  2. surface structure
  3. Transformation
  4. N.Chomsky

صیادی نژاد و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای، جلوه‌های اقتصاد زبانی را در سطوح حذف، جانیشینی و همنشینی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که قرآن برای حفظ و جایگیری سریع در اذهان و برای ارتباط برقرار کردن و انتقال رسالت، به اصل کم‌کوشی در تمامی سطوح و لایه‌های زبانی توجهی ویژه داشته است.

رسول‌نیا و جعفر نژاد (۱۳۹۶) نیز به بررسی مقولهٔ جانیشینی به‌عنوان عنصری کم‌کوشانه در قرآن کریم در چهار محور آوایی، لغوی، نحوی و بلاغی پرداخته‌اند. نگارندگان پژوهش مذکور به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از فرایندهای کم‌کوشانهٔ زبان، جانیشینی یا جایگزینی است که نقشی بی‌بدیل در اقتصاد زبانی دارد؛ زیرا دارای نوعی کوتاه‌شدگی، سهولت تلفظ و فشرده‌گی معناست.

فضائلی و سیدی (۱۳۹۴) نیز در مقاله‌ای به بررسی قانون زیف<sup>۱</sup> در سوره‌های احزاب و غافر همّت گماشته و به این نتیجه رسیده‌اند که این دو سوره در مواردی، قانون زیف را نقض می‌کنند و تبعیت نکردن این آیات از قانون زیف، یکی از اعجازهای بیانی قرآن بوده، نشان می‌دهد کیفیت کلام خداوند با کیفیت نوشته‌های بشری متفاوت است.

دربارهٔ ساخت‌های هم‌پایهٔ قرآن نیز می‌توان به مقالهٔ قائمی و صاعدانور (۱۳۹۴) الف) اشاره کرد که نگارندگان در آن، به تحلیل و توصیف ساخت‌های هم‌پایه در جزء سی‌ام قرآن کریم مبادرت کرده و ساخت‌های هم‌پایه را یکی از تمهیدات زبانی در انتقال پیام آسمانی به شمار آورده‌اند. این نویسندگان همچنین در مقاله‌ای دیگر (۱۳۹۴ب) به تحلیل نحوی-بلاغی ساخت‌های هم‌پایه در خطبهٔ یکصدویازدهم نهج‌البلاغه پرداخته‌اند.

عابدی و دیگران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای، به هم‌پایگی آیات قرآن و عناصر متن در دو کتاب *نقشه المصدور و التوسل الی الترسل* پرداخته و اذعان کرده‌اند نویسندگان این دو

1. Zipf

کتاب با تسلط عمیقی که بر آیات قرآن و نظام ساختاری آن دارند، با الگوگیری از ساختار سبکی این کتاب آسمانی، برای رسیدن به اهداف زیباشناسانه، آیات را با متن خود به‌زیبایی هم‌پایه کرده و بر ارزش ادبی کلام خود افزوده‌اند.

مطالعه پیشینه پژوهش نشان می‌دهد پژوهشگران در هیچ‌یک از پژوهش‌های یادشده، به نقش ساخت‌های هم‌پایه قرآن در اقتصاد زبانی نپرداخته‌اند؛ در حالی که نویسندگان پژوهش حاضر می‌کوشند پس از بررسی سیر تکامل نظریه اقتصاد زبانی و ارائه تعریفی کامل از ساخت هم‌پایه، با تکیه بر نظریه گشتاری، به نقش و تأثیر ساخت‌های هم‌پایه در کوتاهی و فشردگی جملات پردازند و نمود اقتصاد زبانی را در ساخت‌های هم‌پایه قرآن کریم باز نمایند.

## ۲. مبانی نظری پژوهش

### ۲-۱. سیر شکل‌گیری نظریه اقتصاد زبانی

ویلیام او کام<sup>۱</sup> (۱۲۸۵-۱۳۴۷)، فیلسوف انگلیسی‌تبار، در قرن چهاردهم میلادی طرحی را پایه‌ریزی کرد که به «اصل او کام»، «اصل امساک» یا «اصل اختصار» شهرت یافت. بر پایه این اصل، هرگاه برای تبیین ماهیت موضوع یا عنصری در جهان هستی، دو توضیح متفاوت و متنوع موجود باشد، در توضیحی که طولانی‌تر و پیچیده‌تر است، ضریب خطا و لغزش بیشتر است و برعکس، در توضیح ساده و کوتاه، تبیین یک پدیده به شکلی دقیق‌تر و قابل فهم‌تر انجام می‌شود (رک: مگی، ۱۳۸۸: ۱۱۳). به بیانی دیگر می‌توان گفت آدمی به‌صورت غریزی میان دو تعریف یا توضیح که توانایی توصیف و تشریح برابری دارند، توضیح کوتاه‌تر و ساده‌تر را انتخاب می‌کند. شاید در نگاه نخست، این اصل که احتمال درست بودن توضیحات کوتاه‌تر و ساده‌تر بیشتر از توضیحات طولانی‌تر و پیچیده‌تر است، چندان منطقی و معقول به نظر نرسد؛ اما به دلیل

---

1. Guillaume Ockham

اینکه مفاهیم موجود در انگاره‌های کوتاه‌تر با سهولت و سرعت بیشتری منتقل می‌شوند، این اصل، پذیرفتنی است.

اصل اختصار که ویلیام اوکام آن را مطرح کرد، برگرفته از آرا و نظرات ارسطو است. ارسطو در کتاب پنجم طبیعات خود، از این اصل با عنوان «اصل کارافزایی» یاد کرده و گفته است: «طبیعت برای عمل، کوتاه‌ترین راه ممکن را اختیار می‌کند» (علمی اردییلی، ۱۳۶۰: ۱۷). این اصل می‌تواند در رواج نظریه‌های علمی اثرگذار باشد؛ بدین معنی که اگر در موضوعی دو نظریه مشابه و یکسان وجود داشته باشد که نتیجه یکسانی در پی دارند، نظریه کوتاه‌تر، رواج و مقبولیت بیشتری پیدا می‌کند و با اقبال عمومی مواجه می‌شود.

قانون زیف، از جمله نظریه‌هایی بود که بر اساس همین اصل، در قرن بیستم مطرح شد. جورج کینگزلی زیف<sup>۱</sup>، استاد زبان‌شناسی دانشگاه هاروارد، نخستین کسی بود که رابطه بین طول کلمات و بسامد وقوع آن‌ها را در متن به‌طور علمی و قانون‌مند بررسی کرد و یک مدل نظری برای این روابط یافت و برای آن فرمول ریاضی ارائه کرد. زیف معتقد بود «طبق اصل کم‌کوشی، هر فرد گرایش دارد تا میانگین احتمالی میزان کار/هزینه در واحد زمان را به حداقل برساند و از این طریق، تلاش و صرف انرژی خود را کاهش دهد و این سازوکاری است که در کلیه رفتارهای بشر مشهود است» (زاهدی و شریفی، ۱۳۹۰: ۷۳).

زیف در سال ۱۹۴۹م با مطالعه کلمات کتاب *اولیس*<sup>۲</sup> اثر جیمز جویس<sup>۳</sup> (۱۸۸۲-۱۹۴۱) به نتایجی درباره کلمات و میزان تکرار آن‌ها در متن رسید. نتایج او به این صورت بود که اگر تمام کلمات یک کتاب را بشماریم و از زیاد به کم مرتب کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که گرایش اندازه کلمات، رابطه‌ای معکوس با شمار وقوع آن‌ها

1. George Kingsley Zipf
2. *Ulysses*
3. James Joyce



دارد. این نسبت در کلمات کل متن برقرار است که به قانون زیف معروف شده است (رک: نوروزی چاکلی، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۹).

به نظر می‌رسد هرچه طول یک کلمه کوتاه‌تر باشد، بسامد کاربرد آن در متن، بیشتر است. بر این اساس، زبان‌شناسان معتقدند طول یک کلمه با میزان استفاده از آن ارتباط دارد و کلمات کوتاه‌تر در گفته‌ها و نوشته‌ها بیشتر از کلمات بلندتر استفاده می‌شوند. زیف باور داشت ارتباط بین طول کلمات و فراوانی استفاده از آن‌ها، از انگیزه حدافل کردن زمان و تلاش مورد نیاز برای صحبت کردن و نوشتن، ریشه گرفته است. در تئوری زیف، ارتباطی معنادار بین استفاده از کلمات با طول آن‌ها در بسیاری از زبان‌ها برقرار است. چون طول گفته و نوشته عموماً مشابه است، این مسئله در هر دو زمینه کلام و متن اعمال می‌شود.

زیف این قضیه را با «اصل کمترین کوشش» توجیه کرد. وی دلیل کاربرد بیشتر کلمات کوتاه را «قانون کم کوشی»<sup>۱</sup> دانست و برای نخستین بار در کتاب *رفتار انسان و اصل کم کوشی* (۱۹۴۹) اصل و پایه کلی رفتار انسان را مطرح کرد که در اندیشه او همان اصل کم کوشی است. زیف بر پایه این اصل، می‌گوید: «اصل کم کوشی زیربنای تمام رفتارهای انسان، از جمله ارتباط زبانی است. انسان‌ها بر اساس این اصل تمایل دارند تا در زندگی روزمره، کارهای خود را به گونه‌ای ساده‌تر و راحت‌تر انجام دهند... در گفتار و نوشتار نیز سعی می‌کنند، بیشتر، کلمات کوتاه‌تر را به کار برند و هرچه یک کلمه کوتاه‌تر باشد، احتمال استفاده از آن بیشتر است» (Zipf, 1949: 7).

در زبان آدمی نیز اصل اختصار، نقشی مؤثر و فعال دارد. انسان‌ها بر اساس غریزه خود، از میان دو جمله کوتاه و بلند که پیام و مفهوم یکسانی را به شنونده منتقل می‌کنند، جمله کوتاه را به کار می‌برند؛ زیرا گوینده در بیان جمله کوتاه و شنونده برای شنیدن آن، انرژی و زمان کمتری صرف می‌کند. زیف از طریق تأمل در

زبان‌های بشری، به این نتیجه رسید که گوینده و شنونده برای کم کردن تلاششان مکالمات روزمره را به شکلی غریزی مدیریت می‌کنند؛ یعنی گوینده ترجیح می‌دهد برای کاستن تلاشش، از کمترین واژگان و حتی جملات بدون علائم نگارشی استفاده کند. از سوی دیگر، شنونده نیز انتظار دارد گوینده شفاف سخن بگوید و مقصود خود را در قالب کوتاه‌ترین عبارت بیان کند تا درک آن مفهوم برای او آسان باشد. برای نمونه، در جمله‌های زیر که مفهوم یکسانی را منتقل می‌کنند، جمله اول به دلیل کوتاهی، منطبق با اصل اختصار است:

این کتاب مطالعه شد.

این کتاب مورد مطالعه قرار گرفت.

این اصل ابداعی زیف که دستاورد مهم و نقطه عطفی برای مطالعات زبان‌شناسی کمی محسوب می‌شود، توسط آندره مارتینه پیگیری و تکمیل شد و وی به آن وجه‌ای عملی و اثباتی بخشید. مارتینه با بازخوانی نظریات و اندیشه‌های زیف و نظرات پیش‌تر از آن در باب اصل اختصار و تکمیل آن اندیشه‌ها، افق جدیدی را پیش روی زبان‌شناسان گشود. اصل اقتصاد زبانی که در نظرات مارتینه، از جمله در کتاب *اقتصاد تحولات آوایی* (۱۹۵۴) عرضه شد، از ابهامی که در اندیشه زیف و آرای گذشتگان درباره اصل اختصار داشت، خارج می‌شود و در آثار و اندیشه‌های مارتینه جلوه‌ای علمی و آشکار می‌یابد. در سال ۱۹۶۲ م آندره مارتینه، مکانیزمی از تغییر زبان ارائه کرد که از تعامل دو مشخصه بارز شکل می‌گیرد: «اول، نیاز به ارتباط، یعنی آن میزان از نیاز که گوینده بتواند پیام خود را منتقل کند؛ دوم، اصل کم‌کوشی که برون‌داد انرژی گوینده را چه ذهنی و چه فیزیکی محدود می‌کند تا به حداقل سازگاری برای به پایان رساندن ارتباط و انتقال پیامش برسد» (Martinet, 1962: 139). در واقع مارتینه، نظرات زیف را که در سال ۱۹۴۹ عنوان شده بود، کامل کرد. مارتینه نیز با زیف هم‌داستان است که میل به انجام دادن کارها در مدت کوتاه‌تر و با صرف انرژی کمتر، از خصایص دیرینه و همیشگی انسان است. زبان نیز به‌عنوان

ابزاری که برای برقراری ارتباط به کار می‌رود، از این قاعده مستثنا نیست و بر اساس اصل اقتصاد زبانی، همواره به کوتاه‌تر و ساده‌تر شدن تمایل دارد. کم شدن طول یک جمله یا کلمه، هم طول مدت بیان و نگارش آن سازه زبانی را کاهش می‌دهد و هم از مصرف انرژی می‌کاهد. به بیان دیگر، هرچه جمله یا یک سازه زبانی، کوتاه‌تر و مختصرتر باشد، انرژی‌ای که برای ادای آن مصرف می‌شود، کمتر است. به اعتقاد آندره مارتینه، «عامل هدایت‌کننده زبان را می‌توان براینند مقابله دائمی نیازهای ارتباطی انسان از یک‌سو و گرایش انسان به کاهش فعالیت‌های ذهنی و جسمانی خود به حداقل ممکن، از سوی دیگر دانست. در این مورد همچون دیگر موارد، رفتار انسان، تابع قانون کم‌کوشی است که بر اساس آن، انسان فقط تا آن میزان نیرو مصرف می‌کند که برای نیل به هدف کافی باشد» (مارتینه، ۱۳۷۸: ۲۴۴-۲۴۵) بر این اساس، منظور از صرفه‌جویی در زبان، جست‌وجوی دائمی مفیدی است که جامعه از طریق آن بتواند بین نیازها و ضرورت‌های متناقضی که باید برطرف شوند، تعادل برقرار کند؛ یعنی میان نیازهای ارتباطی از یک‌سو و تمایل انسان به سکون حافظه و اجتناب از مصرف نیرو برای ادای الفاظ از سوی دیگر، توازنی ایجاد کند (رک: همان: ۲۴۷).

## ۲-۲. تعریف ساخت هم‌پایه

حقوق‌شناس در تعریف ساخت می‌نویسد: «ساخت، هر کلّ متشکلی است که از ترتیب و تنظیم اجزای کوچک‌تر از خودش طبق قاعده درست شده باشد و بتواند کار معینی را انجام دهد» (حقوق‌شناس، ۱۳۷۰: ۱۷۵). هر ساخت زبانی از واحدها و عناصر کوچک‌تری تشکیل می‌شود که به آن‌ها «سازه» می‌گویند. این سازه‌ها با نظم خاصی با یکدیگر ترکیب می‌شوند؛ طوری که نحوه ترکیب عناصر کوچک‌تر موجود در یک ساخت گلان، از مهم‌ترین مشخصه‌های آن ساخت محسوب می‌گردد. اگر سازه‌های تشکیل‌دهنده یک ساخت به کمک ادات هم‌پایه‌ساز، با یکدیگر هم‌پایه شوند، از آن ساخت با عنوان ساخت هم‌پایه یاد می‌کنند. در ساخت‌های هم‌پایه، همه سازه‌ها از نظر

ساختمانی و نحوی ارزش برابری دارند؛ یعنی در این سلسله سازه‌ای، هیچ عنصری تابع عنصر دیگری نیست.

فرشیدورد، هم‌پایگی را نوعی همسانی می‌داند و می‌نویسد: «مراد از همسانی آن است که کلمه یا سخنی، با کلمه یا سخن دیگر، دارای ارزش دستوری مشترک و یکسان باشد. به عنوان مثال اگر یکی مفعول است، همسان آن نیز مفعول باشد یا اگر یکی فاعل است، همسان آن نیز فاعل باشد. همچنین اگر جمله‌ای مستقل است، هم‌پایه آن نیز مستقل و اگر وابسته، هم‌پایه آن نیز وابسته باشد» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۱۰۲). سپس می‌گوید همسانی بر چهار قسم است: هم‌پایگی، بدل، تأکید و تفسیر. وی برای هم‌پایگی چنین تعریفی ارائه می‌دهد: «هم‌پایگی نوعی همسانی است که به وسیله پیوندهای هم‌پایگی بین کلمه‌ها، گروه‌ها و جمله‌ها به وجود می‌آید» (همان).

فالک<sup>۱</sup>، ساخت هم‌پایه را فرایند ایجاد یک ساخت از طریق پیوستن دو یا چند سازه هم‌نوع به کمک یک حرف ربط هم‌پایه‌ساز می‌داند (رک: فالک، ۱۳۷۲: ۳۰۹). به دلیل اینکه هر ساختی طبق قاعده‌های نظام‌مند، از اجزای کوچک‌تر از خود تشکیل شده، این ویژگی‌ها در مورد آن صادق است:

«می‌توان آن را به اجزای تشکیل‌دهنده‌اش تجزیه کرد، سازه‌های یک پدیده ساخت‌مند به شیوه‌ای ویژه سامان می‌یابند و هر سازه‌ای در ساخت مربوط به خود نقش ویژه‌ای را برعهده می‌گیرد، سازه‌های یک ساخت، خود ممکن است یک ساخت هم‌پایه باشند. به دیگر سخن، می‌توان گفت که ساخت می‌تواند از سلسله‌مراتب سازه‌ای برخوردار باشد» (غلامعلی‌زاده، ۱۳۸۶: ۷).

هارتمن<sup>۲</sup> علاوه بر موارد یادشده، ویژگی‌های دیگری برای ساخت هم‌پایه برمی‌شمرد، از جمله: ۱. تکرار نوع سازه؛ ۲. تفکیک سازه‌های تکراری به واسطه

1. Falk

2. Hartman

دست‌کم یک حرف ربط هم‌پایگی؛ ۳. تقلیل اختیاری عناصر حشو (هارتمن، ۲۰۰۰: ۲۱، به نقل از شعبانی، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

بر اساس توضیحات فوق، منظور از ساخت هم‌پایه در این پژوهش، ساخت‌هایی است که در آن، دو یا چند سازه با ادات هم‌پایه‌ساز با هم پیوند می‌خورند و تشکیل ساختی را می‌دهند که سازه‌های آن دارای ارزش نحوی یکسان هستند و هر سازه، هم‌ارز یکی از سازه‌های پیش از خود قرار می‌گیرد. فرمول زیر، الگوی ساخت‌های هم‌پایه و نحوه ترکیب سازه‌های تشکیل‌دهنده آن را نمایش می‌دهد:

$$S=A1 (C1+B+C2) + B + A2 (C1+B+C2) + (B+A3+...)$$

در الگوی بالا، (S) نشانه ساخت هم‌پایه، (A1) و (A2) به ترتیب نشانه سازه اول و دوم که وجودشان اجباری است، (B) نشانه ادات هم‌پایگی و (B+A3+...) نشانه اختیاری بودن سازه سوم به بعد است. (C1+B+C2) به سلسله‌مراتب یک ساخت هم‌پایه دلالت دارد؛ یعنی سازه یک ساخت هم‌پایه ممکن است خود یک ساخت هم‌پایه باشد که در درون ساخت هم‌پایه بزرگ‌تری قرار گرفته است.

### ۳. کالبدشناسی ساخت‌های هم‌پایه در قرآن کریم

باید توجه داشت هم‌پایگی در سطح ساختار و ترکیب، صورت می‌گیرد؛ نه در سطح لفظ. با توجه به تعداد اجزا و سازه‌های تشکیل‌دهنده، می‌توان ساخت‌های هم‌پایه به کاررفته در قرآن کریم را به انواع مختلفی تقسیم کرد:

الف. ساخت هم‌پایه دوسازه‌ای:

برخی از ساخت‌های هم‌پایه قرآن کریم، از دو سازه یا دو واحد ساختاری تشکیل و این دو سازه با حرف ربط هم‌پایه‌ساز به یکدیگر متصل شده‌اند. در این مقاله به آن‌ها «ساخت دوسازه‌ای» می‌گوییم که بر اساس مطالعه کمی و آماری پژوهش حاضر، بیشترین بسامد و کاربرد را در قرآن دارند:

...عَهْدُنَا إِلَىٰ «إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ» (بقره: ۱۲۵).

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ (بقره: ۸).

ب. ساخت هم پایه سه سازه‌ای:

اگر ساخت هم پایه از سه سازه تشکیل شود که با دو حرف ربط هم پایگی به

یکدیگر مربوط گردند، آن را «ساخت سه سازه‌ای» می‌نامیم:

الَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ... (بقره: ۶۲).

قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ «إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ» (بقره: ۱۳۳).

ج. ساخت هم پایه چهار سازه‌ای:

چنانچه اجزای تشکیل دهنده ساخت هم پایه، چهار سازه باشد که با سه حرف ربط

هم پایگی به یکدیگر مرتبط شده باشند، آن را «ساخت چهار پایه‌ای» می‌خوانیم:

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى «آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ» عَلَى الْعَالَمِينَ (آل عمران:

۳۳).

وَيُعَلِّمُهُ «الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ» (آل عمران: ۴۸).

د. ساخت هم پایه زنجیره‌ای:

در برخی موارد نیز در یک ساخت هم پایه، با زنجیره‌ای از سازه‌ها مواجهیم که در

این صورت به آن «ساخت زنجیره‌ای» اطلاق می‌کنیم:

...فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ «بَقْلِهَا وَفِثَائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَ

بَصْلِهَا...» (بقره: ۶۱).

...آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ «ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَ

فِي الرِّقَابِ...» (بقره: ۱۷۷).

می‌توان بر اساس ترتیب و نحوه قرار گرفتن سازه‌ها، ساخت‌های هم پایه قرآن کریم

را به سه نوع تقسیم کرد:

الف. ساخت هم پایه منظم:

در این نوع ساخت هم‌پایه، سازه‌ها به ترتیبی که در فرمول نشان داده شد، در پی یکدیگر ظاهر می‌شوند و هیچ عنصر زبانی دیگری میان آن‌ها قرار نمی‌گیرد و بین سازه‌ها فاصله نمی‌اندازد؛ مانند نمونه‌هایی که پیش‌تر ذکر شد و مثال زیر:

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ «الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ»... (بقره: ۱۷۳).

ب. ساخت هم‌پایه مشوش (نامنظم):

در این نوع از ساخت هم‌پایه، عنصری زبانی میان سازه‌ها قرار می‌گیرد و نظم موجود میان آن‌ها را به هم می‌ریزد و بین آن‌ها فاصله می‌اندازد. در این حالت، عنصر زبانی اغلب بعد از سازه اول قرار می‌گیرد؛ مانند:

أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ (بقره: ۱۵۷).

در آیه مذکور، دو واژه «صَلَوَاتٌ» و «رَحْمَةٌ» سازه‌های تشکیل‌دهنده یک ساخت هم‌پایه به شمار می‌روند که عبارت «مِنْ رَبِّهِمْ» میان آن‌ها فاصله انداخته است. در واقع، ژرف‌ساخت این آیه چنین است:

أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ «صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ» مِنْ رَبِّهِمْ...؛ درود و رحمت پروردگارش بر آنان است... .

در آیه زیر نیز ساخت هم‌پایه مشوش دیده می‌شود:

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ... (بقره: ۱۲۷).

در این آیه نیز دو واژه «إِبْرَاهِيمُ» و «إِسْمَاعِيلُ» با یکدیگر هم‌پایه‌اند و یک ساخت هم‌پایه را شکل داده‌اند؛ ولی عبارت «الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ» بین آن‌ها فاصله انداخته است. ژرف‌ساخت آیه یادشده چنین است:

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ وَ إِسْمَاعِيلُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ...؛ هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه کعبه را بالا می‌بردند....

در آیات زیر نیز ساخت هم‌پایه مشوش مشهود است:

وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ... (بقره: ۱۳۲).

...بِأُولَادِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ... (بقره: ۸۳).

ج. ساخت هم پایه درون سازه‌ای (سلسله مراتبی)

منظور از اصطلاح «درون سازه‌ای» این است که گاه ممکن است یک ساخت هم پایه در درون سازه‌ای از یک ساخت هم پایه بزرگ تر باشد؛ به عبارت دیگر، سازه یک ساخت، ممکن است خود یک ساخت هم پایه باشد که با تحلیل درون سازه‌ای آشکار می گردد؛ یعنی گاه در سازه‌های یک ساخت هم پایه بزرگ، می تواند یک ساخت هم پایه کوچک تر وجود داشته باشد. برای نمونه، آیه زیر، از چند جمله کوتاه تشکیل شده است که همگی با حرف «واو» با یکدیگر هم پایه شده و یک ساخت هم پایه بزرگ را به وجود آورده اند. درون سازه دوم این ساخت هم پایه، یعنی «يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»، یک ساخت هم پایه کوچک تر (الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ) وجود دارد.

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ يَزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (بقره: ۱۲۹).

می توان گفت این ساخت هم پایه بزرگ، ساخت هم پایه کوچک تری در خود جای داده است؛ بنابراین، دارای سلسله مراتب ساختاری است که از راه تحلیل درون سازه‌ای آشکار می شود.

در آیه زیر نیز روابط درون سازه‌ای دیده می شود و ساخت هم پایه بزرگ، دارای سلسله مراتب ساختاری است:

... وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ... (بقره: ۱۷۷).

در آیه فوق چهار جمله کوتاه با یکدیگر هم پایه شده و یک ساخت هم پایه کلان را تشکیل داده اند. در درون سازه چهارم این ساخت هم پایه، یعنی «الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ»، یک ساخت هم پایه سه سازه‌ای (الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ) دیده می شود که وجود این ساخت هم پایه کوچک، ساخت هم پایه بزرگ تر را دارای سلسله مراتب ساختاری کرده است.



#### ۴. نقش ساخت‌های هم‌پایه در اقتصاد زبانی

آنچه در نقش ساخت‌های هم‌پایه قرآن در ایجاد اقتصاد زبانی مهم به شمار می‌آید، نشان دادن این نکته است که آن دسته از جمله‌های زیرساختی که در ساخت جمله مرکب به کار می‌روند، اگر دارای عناصر هم‌معنای مشترک باشند، یکی از عناصر هم‌معنا که تکرار شده است، از روساخت جمله حذف می‌شود و این امر، زمینه کوتاه شدن جمله را فراهم می‌سازد. این فرایند، همسو با اصل اقتصاد زبانی است و با قواعد کم‌کوشانه زبان قرابت دارد. برای روشن شدن بحث، ساخت هم‌پایه موجود در آیه زیر را بررسی و تحلیل می‌کنیم.

أَوْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسْرُونََ وَمَا يُعْلِنُونَ (بقره: ۷۷).

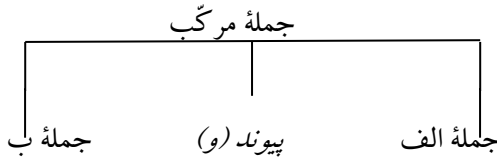
در آیه فوق، یک ساخت هم‌پایه دوسازه‌ای به کار رفته که با خط تیره مشخص شده است. زیرساخت این آیه، از دو جمله تشکیل شده است:

الف. أَوْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسْرُونََ.

ب. أَوْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُعْلِنُونَ.

اگر بخواهیم به ژرف‌ساخت اصلی جمله دست یابیم، یعنی دو جمله تک‌پایه‌ای را به یک جمله مرکب تبدیل کنیم، باید تأویل‌هایی را بر روساخت آن اعمال کنیم که یکی از آنها «افزایش عامل پیوند هم‌پایه» است که به آن، «قاعده تأویل پیوندی» هم می‌گویند. این تأویل، پیوند هم‌پایه متناسبی را در آغاز کلیه جمله‌های تک‌پایه، به جز اولین جمله می‌افزاید. برخی زبان‌شناسان، از جمله مورسیا<sup>۱</sup> و فریمن<sup>۲</sup> آن را «بازسازی جمله هم‌پایه» نامیده‌اند (رک: Mursia, 1978: 106؛ به نقل از وثوقی، ۱۳۶۳: ۱۷۶). بازسازی جمله هم‌پایه، عملی است که طی آن، عنصری از دومین جمله مرکب با یک عنصر هم‌نقش از جمله قبل خود هم‌پایه می‌شود و بلافاصله با آن پیوند می‌یابد. اغلب معادل‌هایی که از نظر دستوری از یک مقوله دستوری یا دارای نقشی واحد هستند،

چنین تأویلی را متحمل می‌شوند. بر اساس این تأویل، پیوند هم‌پایه<sup>۱</sup> مناسبی در آغاز جمله دوم (ب) می‌افزاییم که در نمودار نمایان است:



کاربرد این تأویل، جملات الف و ب را به صورت رشته زیر درمی‌آورد:

أ وَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَأَ وَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُعْلِنُونَ.

#### ۴-۱. تأویل حذف معادل‌ها

دومین تأویلی که می‌توان در جمله فوق اعمال کرد، «حذف دومین معادل هم‌معنا و تکراری» در رساخت است. عنصر تکراری، عبارت «أ وَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ» است که پس از کاربرد ساخت هم‌پایه در مرتبه دوم تکرار، از رساخت جمله حذف می‌شود (نقطه چین، نشانه عنصر محذوف در رساخت است):

أ وَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ... مَا يُعْلِنُونَ.

پس از حذف عنصر تکراری، سرانجام جمله زیر به دست می‌آید:

أ وَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، پس از حذف عنصر تکراری، یک ساخت هم‌پایه (ما يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ) در کلام شکل می‌گیرد و جمله به شکلی قابل توجه کوتاه می‌شود. بر اساس یک قاعده کلی حاکم بر زبان، هر کاربر زبانی، مفهوم عنصر تکراری محذوف را ناخودآگاه حدس می‌زند و می‌فهمد؛ زیرا باید پذیرفت یک قاعده کلی در حذف عناصر رساختی و حدس عوامل ژرف‌ساختی (عوامل معنایی) حاکم است. بر اساس این قاعده، شرط حذف یک یا چند عنصر معنایی از رساخت

جمله این است که بر ژرف ساخت (معنای) جمله نقصانی وارد نکند و عنصر محذوف همچنان در ژرف ساخت جمله قابل استنباط باشد (رک: وثوقی، ۱۳۶۳: ۱۷۳).  
در آیه زیر نیز ساخت هم‌پایه چهارسازه‌ای، موجب کوتاهی جمله و اقتصاد زبانی شده است:

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَكَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أَهْلَ بِهِ لغيرِ اللَّهِ... (بقره: ۱۷۲).

ژرف ساخت این آیه چنین است:

الف. إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ.

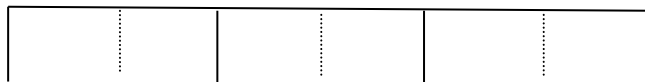
ب. إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الدَّمَ.

ج. إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ لَحْمَ الْخَنزِيرِ.

د. إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ مَا أَهْلَ بِهِ لغيرِ اللَّهِ.

در ابتدا برای پی بردن به ژرف ساخت اصلی این آیه، تأویل افزایش عامل پیوند هم‌پایه را روی آن انجام می‌دهیم. بر اساس این تأویل، پیوند هم‌پایه<sup>۱</sup> مناسبی در آغاز جمله‌های ب، ج و د می‌افزاییم که نمودار آن به صورت زیر است:

ژرف ساخت جمله



جمله الف پیوند(و) جمله ب پیوند(و) جمله ج پیوند(و) جمله د

کاربرد این تأویل، جملات الف تا د را به صورت رشته طولانی و پراطناب زیر

درمی‌آورد:

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الدَّمَ وَ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ لَحْمَ الْخَنزِيرِ وَ  
إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ مَا أَهْلَ بِهِ لغيرِ اللَّهِ.

دومین تأویلی که بر این جمله اعمال می‌شود، حذف معادل هم‌معنا در روساخت است. عنصر تکراری، عبارت «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ» است که پس از کاربرد ساخت هم‌پایه

در مرتبه دوم، سوم و چهارم تکرار، از روساخت جمله مرکب حذف می‌شود و پس از حذف آن، جمله زیر به دست می‌آید:

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ... الدَّمَّ وَ... لَحْمَ الْخَنزِيرِ وَ... مَا أَهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ.  
إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَّ وَ لَحْمَ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ.

پس از حذف عنصر تکراری، یک ساخت هم‌پایه چهارسازه‌ای (المیته و الدّم و لَحْمَ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ) در کلام شکل گرفته، با کاربرد این ساخت هم‌پایه، گامی بلند در زمینه اقتصاد زبانی برداشته شده است. مقایسه ژرف ساخت آیه فوق با روساخت آن، به وضوح نشان می‌دهد حذف عناصر تکراری و وجود ساخت هم‌پایه در کلام تا چه میزان در حرکت به سوی اقتصاد زبانی راه‌گشاست. تعداد کلمات تشکیل‌دهنده ژرف ساخت جمله فوق با احتساب پیوند «واو»، ۲۴ واژه است که پس از حذف عناصر تکراری و هم‌معنا در روساخت، به ۱۵ کلمه تقلیل یافته است. با یک محاسبه ساده (۲۴-۱۵=۹) به این حقیقت مهم پی می‌بریم که تعداد ۹ واژه به‌عنوان عناصر تکراری از روساخت جمله فوق حذف شده‌اند؛ در حالی که معنای آن‌ها همچنان قابل پیش‌بینی و درک است.

نکته‌ای که می‌توان از دو مثال یادشده دریافت، این است که هرچه سازه‌ها یا واحدهای تشکیل‌دهنده ساخت هم‌پایه بیشتر باشند، به دلیل حذف چندباره معادل‌های تکراری، روساخت جمله کوتاه‌تر می‌شود و همسویی بیشتری با قواعد کم‌کوشانه زبان حاصل می‌گردد.

#### ۴-۲. نقش‌های نحوی محذوف در ساخت‌های هم‌پایه قرآن

نکته محوری و اساسی در تأثیر ساخت‌های هم‌پایه در اقتصاد زبانی، مسئله حذف عناصر هم‌معنا و تکراری (غیر از فعل) است. عنصر محذوف در ژرف ساخت آیات قرآن کریم می‌تواند نقش‌های مختلف نحوی یا یک عبارت باشد؛ یعنی اگر فاعل، مبتدا، مفعول‌به، منادا، مضاف‌الیه و... در سازه‌های مختلف ساخت هم‌پایه تکرار شوند،

جز سازهٔ اول، در دیگر سازه‌ها حذف می‌گردند. در ادامه، به نقش‌های مختلف نحوی محذوف در ساخت‌های هم‌پایه قرآن کریم می‌پردازیم.

#### ۴-۲-۱. حذف مبتدا

گاهی در جملهٔ اسمیه، مبتدا تکرار می‌شود و در ژرف ساخت جمله، پیش از هر سازه به کار می‌رود؛ اما در چنین حالتی، در روساخت جمله، مبتدا تنها با سازهٔ نخست ظاهر شده، در دیگر موارد حذف می‌گردد و همین حذف، حرکتی مفید و مؤثر در زمینهٔ قواعد کم‌کوشانهٔ زبان است. توجه به شواهد زیر، این نکته را آشکار می‌کند.

...نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ... (بقره: ۳۰).

در ژرف ساخت آیهٔ فوق، ضمیر منفصل «نحن» مبتدای جمله است و پیش از سازهٔ اول و سازهٔ دوم ساخت هم‌پایه (نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ) آشکار می‌شود:

نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نَحْنُ نُقَدِّسُ لَكَ....

اما همان‌طور که در روساخت دیده می‌شود، ضمیر «نحن» که در نقش مبتدا به کار رفته، در مرتبهٔ دوم و در مقام تکرار، پیش از سازهٔ دوم حذف گردیده، همین حذف، موجب کوتاه شدن جمله و صرف انرژی کمتر در زبان شده است.

در آیهٔ زیر نیز لفظ جلالهٔ «الله» مبتداست و در ژرف ساخت جمله، پیش از سازهٔ اول و دوم می‌آید:

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَاللَّهُ يَمْدُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ.

در این حالت، دو سازهٔ ساخت هم‌پایه، یعنی «يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ» و «يَمْدُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ» در محل رفع و خبر برای مبتدا (الله) به شمار می‌روند؛ اما مبتدای پیش از سازهٔ دوم به دلیل تکرار، در جملهٔ روساختی حذف شده است.

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمْدُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (بقره: ۱۵).

#### ۴-۲-۲. حذف فاعل

گاهی عنصر محذوف در ساخت هم‌پایه، فاعل جمله است که به دلیل تکرار، از روساخت جمله حذف می‌شود. در جملهٔ زیر لفظ جلالهٔ «الله» نقش فاعل دارد:

... لا يَكْلِمُهُمُ اللَّهُ وَ لا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ  
(آل عمران: ۷۷).

فاعل (الله) در ژرف ساخت جمله در هریک از سازه‌های ساخت هم پایه، تکرار شده است:

... لا يَكْلِمُهُمُ اللَّهُ وَ لا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لا يُزَكِّيهِمُ اللَّهُ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.  
اما در روساخت جمله، فاعل (الله) تنها در سازه اول ساخت هم پایه به کار رفته، عناصر تکراری در سازه دوم و سوم ساخت هم پایه حذف شده و جمله را تا حدی کوتاه کرده‌اند. این حذف در اقتصاد زبانی و فرایند کم کوشانه زبان، نقشی پررنگ دارد؛ زیرا کوتاهی آیه باعث می شود تلاوت کننده قرآن کریم، وقت و انرژی کمتری صرف کند.

در جمله زیر نیز حذف فاعل از سازه دوم ساخت هم پایه، موجب ایجاز بیشتر در آیه شده است.

... ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَ تَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لا يُبْصِرُونَ (بقره: ۱۷).

#### ۴-۳. حذف فعل و فاعل

گاه فعل و فاعل آن با هم در ژرف ساخت عناصر هم پایه تکرار می شوند؛ مانند آیه زیر:

خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ  
(بقره: ۷).

ژرف ساخت عناصر هم پایه در آیه فوق چنین است:

خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ خَتَمَ اللَّهُ عَلَى سَمْعِهِمْ...

در ژرف ساخت کلام، «خَتَمَ اللَّهُ» فعل و فاعل محسوب می شود که پیش از سازه اول و دوم ساخت هم پایه ظاهر شده است. در این حالت، فعل و فاعل پیش از سازه دوم ساخت هم پایه که در مقام تکرار قرار گرفته است، از روساخت کلام حذف می شود.

در آیات زیر نیز شاهد حذف فعل و فاعل آن، پیش از سازه دوم ساخت هم‌پایه

هستیم:

وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ (بقره: ۴۵).

... نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ... (بقره: ۱۳۳).

گاه فعل، فاعل و مفعول، هر سه با هم در روساخت کلام حذف می‌شوند؛ مانند:

وَ يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ (آل عمران: ۴۸).

«يُعَلِّمُهُ» در ژرف ساخت آیه بالا پیش از هریک از سازه‌های ساخت هم‌پایه

چهارپایه‌ای ظاهر می‌شود و جمله را به این شکل طولانی می‌کند:

يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَيُعَلِّمُهُ الْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُهُ التَّوْرَةَ وَيُعَلِّمُهُ الْإِنْجِيلَ.

اما پس از حذف عناصر تکراری در روساخت و استفاده از ساخت‌های هم‌پایه،

کاربرد «يُعَلِّمُهُ» از چهار بار به یک بار تقلیل می‌یابد و از ابتدای سازه‌های دوم، سوم و

چهارم ساخت هم‌پایه حذف می‌شود. بدین ترتیب، مشخص می‌شود کاربرد

ساخت‌های هم‌پایه و حذف عناصر تکراری از واحدهای هم‌پایه تا چه میزان در

حرکت به سوی اقتصاد زبانی مؤثر است.

از جمله مواردی که در جملات قرآن کریم، فعل و فاعل با هم حذف می‌شوند،

حذف فعل و فاعل قسم است که بسامد دارد و موجب کوتاه شدن جمله و همسو با

اقتصاد زبانی است. برای نمونه در آیه زیر، فعل قسم پیش از حرف و جواب قسم

حذف شده است:

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (قلم: ۱).

ژرف ساخت این آیه چنین است:

أَقْسِمُ وَالْقَلَمِ وَأَقْسِمُ وَمَا يَسْطُرُونَ.

در ادامه، به دلیل ارائه تحلیل‌های لازم و پرهیز از اطاله کلام، از توضیحات

تکراری خودداری می‌کنیم و به مقایسه ژرف ساخت و روساخت جملات، برای نشان

دادن تأثیر ساخت‌های هم‌پایه در اقتصاد زبانی می‌پردازیم.

#### ۴-۲-۴. حذف منادا

- روساخت: یا مَرِيْمُ أَقْنَتِي لِرَبِّكَ وَ اسْجُدِي وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّاْكِعِيْنَ (آل عمران: ۴۳).  
 ژرف ساخت: یا مَرِيْمُ أَقْنَتِي لِرَبِّكَ، یا مَرِيْمُ اسْجُدِي، یا مَرِيْمُ ارْكَعِي مَعَ الرَّاْكِعِيْنَ.  
 - روساخت: یا بَنِي إِسْرَائِيْلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِي الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَ أَوْفُوا بَعْهَدِي أَوْفِ بَعْهَدِكُمْ وَ إِيَّايَ فَارْهَبُونِ (بقره: ۴۰).

ژرف ساخت: یا بَنِي إِسْرَائِيْلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِي الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ، یا بَنِي إِسْرَائِيْلَ أَوْفُوا بَعْهَدِي أَوْفِ بَعْهَدِكُمْ، یا بَنِي إِسْرَائِيْلَ إِيَّايَ فَارْهَبُونِ.

#### ۴-۲-۵. حذف مفعول به

- روساخت: ... وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ ... (بقره: ۸۳).  
 ژرف ساخت: وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ إِحْسَانًا وَ الْيَتَامَىٰ إِحْسَانًا وَ الْمَسْكِينِ إِحْسَانًا...

#### ۴-۲-۶. حذف مضاف

- روساخت: أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنْ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ (آل عمران: ۸۷).  
 ژرف ساخت: أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنْ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ لَعْنَةُ الْمَلَائِكَةِ وَ لَعْنَةُ النَّاسِ أَجْمَعِينَ.

- روساخت: أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ... (بقره: ۱۰۷).  
 ژرف ساخت: أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ مُلْكُ الْأَرْضِ ...

#### ۴-۲-۷. حذف جار و مجرور

- روساخت: ... فَلَا رَفْثَ وَ لَا فُسُوقَ وَ لَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ ... (بقره: ۱۹۷).  
 ژرف ساخت: ... فَلَا رَفْثَ فِي الْحَجِّ وَ لَا فُسُوقَ فِي الْحَجِّ وَ لَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ ...  
 - روساخت: إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ... (بقره: ۱۶۴).  
 ژرف ساخت: إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ فِي خَلْقِ الْأَرْضِ ...

#### ۴-۲-۸. حذف حرف جر



- روساخت: ...فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ... (بقره: ۱۶۹).

ژرف ساخت: فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ مِنْ صَدَقَةٍ أَوْ مِنْ نُسُكٍ...

- روساخت: وَ لَتَبْلُوَنَكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ (بقره: ۱۵۵).

ژرف ساخت: وَ لَتَبْلُوَنَكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ مِنَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ مِنَ الْأَنْفُسِ وَ مِنَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ.

#### ۴-۲-۹. حذف اسم موصول

- روساخت: ...فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أُوذُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ... (آل عمران: ۱۹۵).

ژرف ساخت: فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ الَّذِينَ أُوذُوا فِي سَبِيلِي وَ الَّذِينَ قَاتَلُوا وَ الَّذِينَ قُتِلُوا لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ...

- روساخت: الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يَفْسُدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (بقره: ۲۷).

ژرف ساخت: الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ الَّذِينَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ الَّذِينَ يَفْسُدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ.

#### ۴-۲-۱۰. حذف إن، اسم و خبر آن

- روساخت: ...إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ (آل عمران: ۳۳).

ژرف ساخت: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى نُوحًا وَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ.

- روساخت: ...أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ (بقره: ۷۷).

ژرف ساخت: أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُعْلِنُونَ.

#### ۴-۲-۱۱. إِنَّ و اسم آن

- روساخت: وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (آل عمران: ۴۲).

ژرف ساخت: وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ إِنَّ اللَّهَ طَهَّرَكِ وَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.

- روساخت: إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيَّيْنَ بِغَيْرِ حَقِّ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (آل عمران: ۲۱).

ژرف ساخت: إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ إِنَّ الَّذِينَ يَقْتُلُونَ النَّبِيَّيْنَ بِغَيْرِ حَقِّ وَ إِنَّ الَّذِينَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ.

#### ۴-۲-۱۲. حذف فاعل، فعل و مفعول اول

- روساخت: ... وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَ الْحِكْمَةَ... (بقره: ۲۵۱).

ژرف ساخت: وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَ آتَاهُ اللَّهُ الْحِكْمَةَ...

- روساخت: وَ إِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ الْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (بقره: ۵۳).

ژرف ساخت: وَ إِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ آتَيْنَا مُوسَى الْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.

#### ۴-۲-۱۳. حذف استننا و ادات آن

- روساخت: إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ بَيَّنَّا فَاوْلِيكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ... (بقره: ۱۶۰).

ژرف ساخت: إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَ إِذَا الَّذِينَ أَصْلَحُوا وَ إِذَا الَّذِينَ بَيَّنَّا فَاوْلِيكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ...

- روساخت: ... مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاْسِخُونَ فِي الْعِلْمِ... (آل عمران: ۷).

ژرف ساخت: مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ إِلَّا الرَّاْسِخُونَ فِي الْعِلْمِ...

#### ۴-۲-۱۴. حذف ظرف زمان (يَوْم)

- روساخت: يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ... (آل عمران: ۱۰۶).

ژرف ساخت: يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَ يَوْمَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ...

#### ۴-۲-۱۵. حذف إِنَّ شرطیه

- روساخت: ...إِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ (آل عمران: ۱۷۹).

ژرف ساخت: إِنْ تُؤْمِنُوا و إِنْ تَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ.

- روساخت: ...إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (آل عمران: ۱۸۶).

ژرف ساخت: إِنْ تَصْبِرُوا و إِنْ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ.

#### ۴-۲-۱۶. حذف لای نهی

- روساخت: وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ... (بقره: ۴۲).

ژرف ساخت: وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ و لَا تَكْتُمُوا الْحَقَّ... .

#### ۵. نتیجه گیری

در این پژوهش، با کمک نظریه گشتاری، ابتدا روساخت جمله‌ها و ساخت‌های هم‌پایه تأویل شد و با رسیدن به ژرف ساخت جمله‌ها و احیای عناصر محذوف در روساخت، روابط معنایی پنهان جمله‌ها به دست آمد. سپس با استفاده از قاعده حذف عناصر معادل و تکراری، فرم روساختی جمله حاصل شد و میان سازه‌های ساخت هم‌پایه، روابط هم‌پایگی لازم ایجاد گردید. پس از مقایسه ژرف ساخت با روساخت آیات، نتیجه به دست آمده گویای آن است که در فرم روساختی جمله‌هایی که ساخت هم‌پایه در آن‌ها به کار رفته است، به دلیل حذف عناصر هم‌معنا و تکراری، جمله‌ها کوتاه‌تر و مختصرتر شده‌اند و تلاوت کننده قرآن کریم برای ادای آن‌ها انرژی و زمان کمتری صرف می‌کند که این امر، همسو با اصل اقتصاد زبانی و منطبق با قواعد کم‌کوشانه زبان است.

کلام الهی، با توجه به گرایش فطری انسان به کم‌کوشی و صرف انرژی کمتر در کار، از قواعد مقتصدانه و کم‌کوشانه زبان بهره برده است. می‌توان اذعان کرد، توجه به کم‌کوشی به عنوان یکی از علایق فطری انسان، عاملی مهم در تعیین فرم روساختی آیات قرآن و ایجاز و اختصار آن‌ها شده است. از آنجا که قاعده‌ای کلی در حذف عناصر روساختی و حدس عوامل ژرف ساختی (عوامل معنایی) به صورت خودکار بر زبان حاکم است، کاربران زبان به صورت ناخودآگاه، مفهوم عنصر تکراری محذوف

را حدس می‌زنند و می‌فهمند. همان طور که در نمونه‌های مختلف ملاحظه شد، تمام مفهوم موجود در ژرف‌ساخت جمله، از روساخت خلاصه‌شده آن قابل تعبیر و پیش‌بینی است و حذف عناصر تکراری از سازه‌های مختلف ساخت‌های هم‌پایه، به اصل معنا و فرایند پیام‌رسانی خللی وارد نکرده و این، یکی از شرط‌های مهم و اساسی ایجاد اقتصاد زبانی در کلام است. خواننده قرآن کریم نیز به صورت ناخودآگاه، مفهوم عناصر تکراری محذوف از ساخت‌های هم‌پایه را درک می‌کند و مفاهیم و پیام‌های هدایت‌گرانه قرآن را که مقصود اصلی این کتاب آسمانی است، با سرعت و سهولت بیشتری می‌فهمد. به علاوه، با کوتاه‌تر شدن آیات، حفظ و به خاطر سپردن کلام الهی که یکی از اهداف خوانندگان است، به آسانی میسر می‌شود.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: سروش.
- افتخاری، سیداسماعیل (۱۳۸۴)، نقش کم‌کوشی زبانی در پیدایش فارسی محاوره، مجله پژوهش‌های ادبی، سال دوم، شماره هفتم، صص ۲۵-۶۰.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۷۰)، مقالات (ادبی، زبان‌شناختی)، چ ۱، تهران: نیلوفر.
- دانشگر، محمد (۱۳۸۳)، حشو در نوشته‌های امروز، مجله پژوهش‌های ادبی، سال اول، شماره چهارم، صص ۸۳-۱۱۴.
- رسولی‌نیا، امیرحسین و صدیقه جعفرنژاد (۱۳۹۶)، بررسی مقوله جانشینی به‌عنوان عنصری کم‌کوشانه در قرآن کریم، فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال ۵، شماره اول، صص ۵۴-۷۰.
- زاهدی، کیوان و لیلا شریفی (۱۳۹۰)، قدمت اختصارسازی در زبان فارسی، مجله زبان‌پژوهی، دوره ۲، شماره ۴، صص ۳۳-۵۰.
- شعبانی، منصور، عالیه کرد، فردوس آفاگل‌زاده و ارسلان گلغام (۱۳۸۹)، ساخت هم‌پایگی: با نگاهی به زبان فارسی، مجله ادب‌پژوهی، شماره ۱۳، صص ۱۳۱-۱۵۶.
- صیادی‌نژاد، روح‌الله و صدیقه جعفرنژاد (۱۳۹۵)، جلوه‌هایی از اقتصاد زبانی در قرآن کریم (بررسی موردی جزء ۳۰-۲۶)، دوفصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال پنجم، شماره اول، صص ۸۷-۱۰۴.

- عابدی، علی، مجید سرمدی، حسین مسجدی و علی‌محمد گیتی‌فروز (۱۳۹۵)، **هم‌پایگی ساخت‌های متن و آیات در نفثه المصدور و التوسل الی الترتل**، فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال چهارم، شماره چهارم، صص ۱۴۵-۱۷۱.
- علمی اردبیلی، علی (۱۳۶۰)، **فرهنگ فلسفه و اعلام وابسته**، تهران: امامت.
- غلامعلی‌زاده، خسرو (۱۳۸۶)، **ساخت زبان فارسی**، چ ۵، تهران: احیاء کتاب.
- فالک، جولیا (۱۳۷۲)، **زبان‌شناسی و زبان: بررسی مفاهیم بنیادی زبان‌شناسی**، ترجمه خسرو غلامعلی‌زاده، چ ۱، مشهد: آستان قدس رضوی.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲)، **دستور مفصل امروز**، تهران: سخن.
- فضائی، سیده مریم و سیدحسین سیدی (۱۳۹۴)، **بررسی قانون زیف در سوره‌های احزاب و غافر قرآن**، مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال ۴۷، شماره ۹۴، صص ۲۳-۴۲.
- قائمی، مرتضی و فائزه صاعدانور (۱۳۹۴ الف)، **ساخت‌های هم‌پایه در جزء سی‌ام قرآن کریم**، دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، سال دوم، شماره اول، صص ۶۵-۹۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴ ب)، **تحلیل نحوی- بلاغی ساخت‌های هم‌پایه در خطبه یکصدویازدهم نهج‌البلاغه**، فصلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه، سال سوم، شماره یازده، صص ۱۹-۳۳.
- قادری مقدم، محمد و راحله عبدالله‌زاده برزو (۱۳۹۶)، **بلاغت ایجازی نماد در سنجش با استعاره و تمثیل با تکیه بر شعر نو**، دوفصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۸، شماره ۱۶، صص ۲۵۱-۲۷۰.
- مارتینه، آندره (۱۳۷۸)، **اصول زبان‌شناسی عمومی**، ترجمه علاءالدین گوشه‌گیر، چ ۱، اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- مدرسی، فاطمه (۱۳۹۰)، **فرهنگ توصیفی نقد و نظریه‌های ادبی**، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مقدادی، بهرام (۱۳۷۸)، **فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی از افلاطون تا عصر حاضر**، چ ۱، تهران: فکر روز.
- مگی، برایان (۱۳۸۸)، **داستان فلسفه**، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: کتاب آمه.
- نوروزی چاکلی، عبدالرضا (۱۳۹۰)، **آشنایی با علم‌سنجی (مبانی، مفاهیم، روابط و ریشه‌ها)**، تهران: سمت.

- وثوقی، حسین (۱۳۶۳)، جمله مرکب و حذف معادلها در زبان فارسی (بجئی در زبان‌شناسی تاویلی-تولیدی)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۱۳۱، صص ۱۷۱-۱۸۸.

- Cann, R. Kempson, R & Marten, L. (2005), **the dynamics of language**, (Vol. 35), Oxford: Elsevier.
- Hartmann, K (2000), **Right Node Raising and Gapping: Interface Conditions on Prosodic Deletion**, John Benjamins, Amsterdam, the Netherlands.
- Lumsden. M. A (1910), **Grammar of Persian Language**, Calcutta University Press, Vol.II.
- Martinet. A. (1962), **a Functional View of Language**, Oxford: Clarendon Press.
- Mursia. C. M. & Freeman, L, D. (1978), **an English Grammar for Teachers of English Language**, Newbury House.
- Zipf, G. (1949). **Human Behavior and the Principle of Least Effort**, Boston: Addison Wesley.